

آیا سعادت اخروی و همزیستی دنیوی مشروط به دین و مذهب خاصی است؟*

محسن کدیور



بحث در دو بخش همزیستی دنیوی و سعادت اخروی مطرح می‌شود.

بخش اول: همزیستی دنیوی

اسلام تکثر و تنوع ادیان را در دنیا به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته است. همزیستی دنیوی منوط به هیچ دین و مذهب خاصی نیست. با هر آئینی که به امنیت و اخلاق عمومی وفادار باشند می‌توان معاهده بست و در کمال صلح و صفا زندگی کرد. این همزیستی شامل کفار، مشرکین و هر آئین منحرفی می‌شود. به‌عبارت دیگر همزیستی دنیوی نسبت به دین و آئین لابه‌شرط است. در این مقام به چهار نکته اشاره می‌کنم:

اول. عدالت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده ۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!

میزان تعامل مسلمانان با خودشان و دیگران عدالت است. هیچ عمل سوئی نباید به درنوردیدن مرزهای عدالت منجر شود.

دوم. دو شرط حداقلی همزیستی

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (ممتحنه ۹-۸) خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند یا به بیرون‌راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است!

اصل تعامل با دیگران بر اساس عدالت و نیکی است. هر که با دین مسلمانان به پیکار برخیزد، امنیت مسلمانان را رعایت کند، و آنها را از خانه و کاشانه‌شان اخراج نکند می‌توان با آنان همزیستی کرد. همزیستی با کسانی که با دین مسلمانان اعلام جنگ کرده‌اند، و مسلمانان را از خانه و آشیانه‌شان اخراج کرده‌اند یا از این فعل ضد انسانی حمایت کرده‌اند، غیرممکن و ممنوع است.

سه. رعایت قراردادهای

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (مائده ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمانها (و قراردادهای) وفا کنید!

– إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (توبه ۴) مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید، و چیزی از آن را در حق شما فروگذار نکردند،
و احدی را بر ضد شما تقویت نمودند؛ پیمان آنها را تا پایان مدتشان محترم بشمرید؛ زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست
دارد!

– فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (توبه ۷) تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز
وفاداری کنید، که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد!

رعایت قرارداد و وفای به عهدحتی با مشرکین و بی دین‌ها الزامی است. نقض قرارداد نباید از طرف مسلمان صورت
بگیرد.

چهار. همزیستی براساس رحمت و اخلاق

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران ۱۵۹) به (برکت) رحمت
الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند.
وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم ۴) و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!
لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب ۲۱) مسلماً
برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار
یاد می‌کنند.

پیامبر الگوی رحمت و اخلاق بوده است. در همزیستی این دو روش پیامبرانه سرلوحه‌ی عمل مسلمانان است.

نتیجه: همزیستی دنیوی مقید به هیچ دین و آئینی نیست. با هر مجتمعی با هر عقیده و دین و آئینی ولو مشرک
و ملحد و منحرف می‌توان همزیستی کرد. رعایت عدالت، اخلاق، رحمت و وفای به قراردادها و عهدنامه‌ها الزامی است.
همزیستی با کسانی با دین مسلمانان به جنگ برخاسته‌اند و آنها را از خانه و کاشانه‌شان اخراج کرده‌اند غیرممکن و ممنوع
است.

بخش دوم سعادت اخروی

در این بحث می‌کوشم به پرسشهای مهم زیر از منظر اسلامی پاسخ دهم:

سعادت، فلاح، فوز و نجات اخروی در گرو چه شروطی است؟

آیا تدین ظاهری، دین‌داری شناس‌نامه‌ای و وراثتی مایه‌ی رستگاری و عامل نجات اخروی است؟

آیا تدین به دین و مذهب خاص در آن طریقت دارد یا موضوعیت؟

آیا عمل صالح شرط لازم و کافی رستگاری است؟ یا شرط لازم اما غیر کافی؟

آیا ایمان به خدا و ایمان به‌آخرت شرط لازم و کافی رستگاری هستند یا صرفاً شرط لازم اما غیر کافی؟

آیا ایمان به رسولان الهی در رستگاری طریقت دارد یا موضوعیت؟

آیا مخالفت و عدم اطاعت از هر یک از رسولان الهی تأثیری در نجات اخروی دارد؟

آیا ایمان به محمد بن عبدالله (ص) و تبعیت و اطاعت از ایشان شرط اصل سعادت اخروی است؟ یا شرط کمال

آن؟

آیا قبول ولایت اهل بیت شرط اصل سعادت اخروی است؟ یا شرط کمال آن؟

آیا سعادت و فلاح امری تشکیکی و ذومراتب است یا امری بین وجود و عدم و فاقد کامل و اکمل؟

آیا سعادت اخروی و همزیستی دنیوی مشروط به دین و مذهب خاصی است؟

تدین ظاهری به هر یک از شرایع و ادیان آثار ظاهری دنیوی دارد، بحث در آثار اخروی و مشخصاً دخالت در سعادت است.

شرط رستگاری از منظر متکلمان و فقیهان

ایمان به خدا و آخرت و رسالت پیامبر خاتم و التزام به ضروریات اسلامی شرط رستگاری است. هر چند متکلمان

و فقیهان تحت این عنوان بحث نکرده‌اند. بحث در ذیل عنوان منفی کافر مطرح شده است. نظر سه فقیه معاصر در این

زمینه چنین است:

المراد بالكافر من كان منكر للألوهية أو التوحيد، أو الرسالة، أو ضروريا من ضروریات الدین مع الالتفات إلى كونه

ضروریا، بحیث یرجع إنكاره إلى إنكار الرسالة. (السید الیزدی، العروة الوثقی، کتاب الطهارة، الثامن من النجاسات)

العاشر الكافر وهو من انتحل غیر الاسلام، أو انتحلہ ووجد ما يعمل من الدین ضرورة، بحیث یرجع جوده إلى إنكار الرسالة، أو تكذیب النبی صلی الله علیه وآله، أو تنقیص شریعته المپهرة، أو صدر منه ما یقتضی كفره من قول أو فعل (السید الخمینى، تحریر الوسیلة، کتاب الهارة، العاشر من النجاسات، ج ۱ ص ۱۱۸)

الكافر: هو من لم ينتحل دینا أو انتحل دینا غیر الإسلام أو انتحل الإسلام و وجد ما یعلم أنه من الدین الإسلامی، بحیث رجع جوده إلى إنكار الرسالة، نعم إنكار المعاد یوجب الكفر مطلقا. (السید الخوی، منهاج الصالحین، ج ۱ ص ۱۰۹، العاشر من النجاسات)

كافر منكر الوهیت یا توحید، یا معاد، یا نبوت، یا یکی از ضروریات دین با التفات به ضروری بودن آن است، به نحوی که انكار ضروری به انكار ضروری دین برگردد.

بر این اساس مؤمن کسی است که به خدای واحد، روز آخرت و رسالت پیامبر خاتم باور داشته باشد و به ضروریات دینی ملتزم باشد. ظاهرا این امور مسلم فرض شده و بحثی درباره‌ی آنها کمتر مطرح شده است. به نظر می‌رسد بحث جزئیاتی قابل تامل دارد.

تدبر در قرآن نشان می‌دهد که منظر قرآنی بسیار گسترده‌تر از منظر فقها و متکلمین باشد. در این مجال با دسته‌بندی آیات قرآنی می‌کوشم به موازین مورد نظر اسلام نزدیک‌تر شوم.

در این مجال چهار دسته از آیات قرآن درباره‌ی سعادت اخروی همراه با حدیث صحیحی هم مضمون با آیات مطرح می‌شود. در انتها جمع‌بندی دقیقی ارائه می‌شود.

جعفر سبحانی در جلد سوم کتاب «مفاهیم القرآن: معالم النبوة» در بحثی تحت عنوان «شبهات حول الخاتمیة شبهه‌ی ششم و پاسخ آن» (ص ۲۳۲-۲۱۷) مطالبی ذکر کرده است که در این مقام از منظری کاملا متفاوت با نویسنده مورد استفاده من بوده است.

اول. تدین ظاهری رافع عذاب اخروی نیست

الف. وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن

يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فِتْرَةٍ مِنَ الرَّسْلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (مائده ۱۹-۱۸) یهود و نصاری گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان (خاص) او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می‌کند؟! بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقات که آفریده؛ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌بخشد؛ و هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، مجازات می‌کند؛ و حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، از آن اوست؛ و بازگشت همه موجودات، به سوی اوست.» ای اهل کتاب! رسول ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد؛ در حالی که حقایق را برای شما بیان می‌کند؛ تا مبادا (روز قیامت) بگویید: «نه بشارت دهنده‌ای به سراغ ما آمد، و نه بیم دهنده‌ای!» (هم اکنون، پیامبر) بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، به سوی شما آمد! و خداوند بر همه چیز تواناست.

خدا با پیروان هیچ دین و آئینی عقد اخوت نبسته است. یهودیت و مسیحیت در رستگاری موضوعیت ندارند. غفران و عذاب به مشیت او بستگی دارد. اهل کتاب هم موظف به تبعیت از رسول خاتم بوده‌اند.

ب. وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره ۸۲-۸۰) و گفتند: «هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید.» بگو: «آیا پیمانی از خدا گرفته‌اید؟! -و خداوند هرگز از پیمان‌ش تخلف نمی‌ورزد- یا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟! آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتشند؛ و جاودانه در آن خواهند بود. و آنها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند.

یهودیان برای خود حقوق ویژه ای قائل بودند، می‌پنداشتند حتی اگر گناه مرتکب شوند، چند روزی بیشتر معذب نخواهند شد. مشیت الهی استثنا بر نمی‌دارد. هر کس معصیت کند به نحوی که معاصی او را دربرگیرد، همواره جهنمی خواهد بود. هر مومن صالحی هم همواره بهشتی خواهد بود. ملاک ایمان قلبی و عمل صالح است نه تدین ظاهری.

ج. وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بَلَى مَنْ أَسْلَمَ

وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره ۱۱۲-۱۱۱) آنها گفتند: «هیچ کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد.» این آرزوی آنهاست! بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید!» آری، کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند. (بنابر این، بهشت خدا در انحصار هیچ گروهی نیست).

یهودیان و نصرانیان می‌پنداشتند که کسی جز آنها به بهشت وارد نمی‌شود. چنین نیست! شرط رستگاری ایمان قلبی و عمل صالح است نه تدین ظاهری.

د. وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (بقره ۱۳۶-۱۳۵) (اهل کتاب) گفتند: «یهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید!» بگو: «این آیینهای تحریف شده، هرگز نمی‌تواند موجب هدایت گردد، بلکه از آیین خالص ابراهیم پیروی کنید! و او هرگز از مشرکان نبود!» بگویید: «ما به خدا ایمان آورده‌ایم؛ و به آنچه بر ما نازل شده؛ و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ یک از آنها جدایی قائل نمی‌شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم؛ (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی‌شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم).»

یهودیان و نصرانیان می‌پنداشتند که هدایت جز از طریق دین ایشان ممکن نیست. مهم این است که در قلب و عمل بر طریق ابراهیم حنیف ابراهیم باشد و شرک نرزد. رستگاری در گرو ایمان به خدا، و ایمان به همه‌ی کتب الهی پیشین و فرق نگذاشتن بین ایشان است. رستگاری به تسلیم خدا بودن بستگی دارد.

ه. وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (البقره ۱۱۳) «یهودیان گفتند: «مسیحیان هیچ موقعیتی (نزد خدا) ندارند»، و مسیحیان نیز گفتند: «یهودیان هیچ موقعیتی ندارند (و بر باطلند)»؛ در

حالی که هر دو دسته، کتاب آسمانی را می‌خوانند (و باید از این گونه تعصبها برکنار باشند) افراد نادان (دیگر) نیز، سخنی همانند سخن آنها داشتند! خداوند، روز قیامت، در باره آنچه در آن اختلاف داشتند، داوری می‌کند.»

هر یک از متدینان ظاهری دیگر متدینان را نزد خدا بی‌منزلت می‌دانند. نزاع را رها کنید و به خدا در روز بازپسین بسپارید.

نتیجه: خدا به پیروان هیچ دین و آئینی عهد رستگاری نبسته است. دین شناس‌نامه‌ای کسی را به بهشت نمی‌برد و از عذاب جهنم نمی‌رهاند. هرکسی در گرو ایمان قلبی و عمل خویش است. هر گناهکاری با هر برچسب دینی عقاب می‌شود و هر مومن صالحی با هر برچسب دینی پاداش می‌گیرد. مسلمان بین کتاب آسمانی فرقی نمی‌گذارد و دین حنیف ابراهیم را پیروی می‌کند.

دوم. سه شرط لازم سعادت اخروی

الف. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (البقرة ۶۲) «کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به آئین یهود گرویدند و نصاری و صابئان [پیروان یحیی] هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آنها نیست.»

ب. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (مائده ۶۹) آنها که ایمان آورده‌اند، و یهود و صابئان و مسیحیان، هرگاه به خداوند یگانه و روز جزا، ایمان بیاورند، و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین خواهند شد.

ج. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (حج ۱۷) مسلماً کسانی که ایمان آورده‌اند، و یهود و صابئان و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آنان روز قیامت داوری می‌کند؛ (و حق را از باطل جدا می‌سازد؛) خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است.

نتیجه: از میان مسلمانان، یهودیان، مسیحیان و صابئین هر که ایمان به خدا و ایمان به آخرت داشته عمل صالح

مرتکب شود در آخرت رستگار خواهد بود. خدا در قیامت بین این چهار گروه و نیز مجوس و مشرکان داوری خواهد کرد. این سه شرط، شرط لازم رستگاری است. آیا شرط کافی هم هست؟

سوم. ملاک رستگاری تدین واقعی است

الف. إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (نساء ۱۵۲-۱۵۰) کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می‌گویند: «به بعضی ایمان می‌آوریم، و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند... آنها کافران حقیقی‌اند؛ و برای کافران، مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم. (ولی) کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آورده، و میان احدی از آنها فرق نمی‌گذارند، پاداششان را خواهد داد؛ خداوند، آمرزنده و مهربان است.

مانع رستگاری اخروی کفر به خداوند، انکار رسولانش، فرق گذاشتن بین خدا و رسولانش، ایمان به برخی و کفر به بعضی دیگر است. عدم ایمان به آنچه خدا بر پیامبر خاتم نازل کرده است، مانع از وصول به طریق اقوم و رستگاری کامل است. ایمان به خدا و رسولانش و عدم تبعیض بین ایشان و ایمان به همه‌ی آنها مایه‌ی رستگاری است.

ب. لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (نساء ۱۲۵-۱۲۳) (فضیلت و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست؛ هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود؛ و کسی را جز خدا، ولی و یاور خود نخواهد یافت. و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد.

عمل سوء از هرکسی بدون توجه به تدین ظاهریش جزا داده می‌شود. عمل صالح مؤمنانه بدون توجه جنسیت به رستگاری می‌انجامد. بهترین روش تسلیم خدا بودن و کار نیکو کردن به روش ابراهیم خلیل است.

نتیجه: با کفر خداوند یا انکار برخی رسولان یا عمل سوء رستگاری حاصل نمی‌شود. ایمان و عمل صالح و باور همه رسولان الهی شرط رستگاری است.

چهارم. پیروی از محمد طریق اقوم

الف. مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران ۶۸-۶۷) ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه موحدی خالص و مسلمان بود؛ و هرگز از مشرکان نبود. سزاوارترین مردم به ابراهیم، آنها هستند که از او پیروی کردند، و (در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند؛ همچنین) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند (از همه سزاوارترند)؛ و خداوند، ولیّ و سرپرست مؤمنان است.

ابراهیم موحد مسلمان حنیف بود، سزاوارترین راه به مرام ابراهیم راه محمد و پیروان اوست.

ب. قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْأَخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران ۸۵-۸۴) «بگو: «به خدا ایمان آوردیم؛ و (همچنین) به آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده؛ و آنچه به موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران، از طرف پروردگارشان داده شده است؛ ما در میان هیچ یک از آنان فرقی نمی‌گذاریم؛ و در برابر (فرمان) او تسلیم هستیم. و هر کس جز اسلام آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است.»

مسلمان بین کتب نازل شده بر پیامبران از ابراهیم تا محمد فرقی نمی‌گذارد و تسلیم خداوند است. هرکس جز اسلام (تسلیم خدا بودن) آئینی اختیار کند رستگار نخواهد شد.

ج. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (الحجرات ۱۵-۱۳) «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است! عربهای بادیه‌نشین گفتند: «ایمان آورده‌ایم» بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است! و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی‌کند، خداوند، آمرزنده مهربان است. مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ آنها راستگویانند.»

امتیاز در اسلام به جنسیت، و نژاد و رنگ و زبان نیست. به تقوی است. دین ظاهری مادامی که به ایمان قلبی و عمل صالح نینجامیده باشد فایده‌ای ندارد. مومنان صادق تنها کسانی هستند که از خدا و رسول اطاعت کرده و عمل صالح مرتکب شوند.

د. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (نور ۶۲) مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند.

- وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ (نساء ۶۴) ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود.

- وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (نساء ۱۱۵) کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می‌رود می‌بریم؛ و به دوزخ داخل می‌کنیم؛ و جایگاه بدی دارد.

- وَمَنْ يَعُصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا (احزاب ۳۶) و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!

– وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

(انعام ۱۵۳) این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!»

نتیجه: وحی الهی نازل شده بر محمد بن عبدالله اقرب طرق به دین حنیف ابراهیم و اقوم طرق به سوی خداوند است. تدین ظاهری به دین محمد برای رستگاری کافی نیست، ایمان قلبی و عمل صالح لازم است. فردی که بعد از اشکار شدن حق از رسول خدا تبعیت نکند خود را از رستگاری حقیقی محروم کرده است. دو نظر: رسالت محمد موضوعیت در سعادت دارد. دوم: طریقت دارد.

در رساله‌ی حی بن یقظان ابن طفیل امکان راه یافتن بدون شرایط بر اساس عقل و فطرت مطرح شده است که در مجال دیگر به آن خواهیم پرداخت.

حدیثی صحیح هم‌مضمون با آیات مورد بحث:

از باقرالعلوم امام محمد بن علی (ع) بشنویم. شیخ صدوق از پدرش از علی بن حسین سعدآبادی از جابر بن یزید جعفی از ایشان روایت می‌کند: قال أبو جعفر (ع) یا جابر یکتفی من اتخذ التشیع یقول بحبنا أهل البيت؟ فوالله ما شیعتنا إلا من اتقى الله وأطاعه، وما كانوا یعرفون إلا بالتواضع والتخشع وأداء الأمانة وكثرة ذکر الله والصوم والصلاة والبر بالوالدین والتعهد للجیران من الفقراء وأهل المسکنه والغارمین والأیتام وصدق الحدیث وتلاوة القرآن وكف الألسن الناس إلا من خیر وکانوا امناء عشائهم فی الأشياء. قال جابر: یابن رسول الله ما نعرف أحدا بهذه الصفة. فقال لی: یا جابر لا تذهبن بك المذاهب حسب أن یقول أحب علیا (ع) وأتولاه. فلو قال إني أحب رسول الله (ص) ورسول الله خیر من علی ثم لا یتبع سیرته ولا یعمل بسنته ما نفعه حبه إیاه شیئا. فاتقوا الله واعملوا لما عند الله، لیس بین الله و بین أحد قرابة. أحب العباد إلى الله وأكرمهم اتقاهم له وأعملهم بطاعته. یا جابر ما یتقرب العبد إلى الله تبارک وتعالی إلا بالطاعة، ما معنا براءة النار ولا علی الله لأحد منكم حجة، من كان لله مطیعا فهو لنا ولی ومن كان لله عاصیا فهو لنا عدو ولا تنال ولا یتنا الا بالعمل والورع. (صفات الشیعة شیخ صدوق، حدیث ۲۲، ص ۱۳-۱۱)

امام محمد باقر (ع): «ای جابر، آیا کسی تنها به این که بگوید خاندان پیامبر را دوست دارم دل خوش بوده و خود را از پیروان ما می پندارد. به خدا سوگند شیعیان ما کسانی هستند که از خدا بترسند و اطاعت از او را پیشه‌ی خود کرده، آنها را به فروتنی و خوف خدا، امانت‌داری، فراوانی یاد خدا، روزه و نماز به جای آوردن، نیکی به پدر و مادر کردن، رسیدگی کردن به همسایگان فقیر، بی‌چاره، وام‌دار، و یتیم، راست گوئی، تلاوت قرآن، زبان از مردم بازداشتن جز به خیر شناخته می‌شوند. آنان امین طایفه‌ی خود در امور هستند. جابر به امام می‌گوید: ای پسر پیامبر ما کسی را با این صفات نمی‌شناسیم. امام باقر در ادامه می‌فرماید: ای جابر از راه به‌در مرو و کج‌فهمی مکن. آیا برای مرد همین بس است که بگوید علی (ع) را دوست دارم و ولایت او را می‌جویم؟ آیا اگر کسی بگوید من رسول خدا (ص) را دوست دارم و پیامبر (ص) از علی (ع) والاتر است، اما روش زندگی پیامبر را سرمشق زندگی خود قرار ندهد و به سنت او عمل نکند، این دوستی هیچ بهره‌ای برای او نخواهد داشت.

از خدا پروا کنید، و به آنچه نزد خداوند است عمل کنید. بین خدا و احدی از بندگانش خویشاوندی نیست. محبوب‌ترین و پرج‌ترین بندگان نزد خداوند پرهیزکارترین آنها و کسی است که بیش از بقیه عملاً اطاعت خدا را می‌کند. ای جابر بنده‌ی خدا جز با اطاعت از خداوند به او نزدیک نمی‌شود. با این که [تنها با زبان] با ما [اهل بیت] باشید از آتش رهایی نخواهید یافت، و بر خدا حجتی نخواهید داشت. هر که عملاً از خدا اطاعت کند او ولیّ ماست، و هر که معصیت خدا کند، دشمن ماست. جز با عمل صالح و پرهیزکاری به ولایت ما [اهل بیت] نمی‌رسید.»

بحثم را با این سوره‌ی کوتاه که عصاره‌ی پاسخ قرآن به سوال بحث ماست به پایان می‌برم:

وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (عصر ۳-۱) به عصر

سوگند، که انسانها همه در زیانند؛ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند!

همه‌ی آدمیان زیان‌کارند جز آنها که ایمان آورده عمل صالح مرتکب شده به حق و صبر توصیه کنند.

جمع بندی:

یک. تدین ظاهری، دین‌داری شناس‌نامه‌ای و وراثتی، مایه‌ی رستگاری و عامل نجات اخروی نیست.

دو. عمل صالح شرط لازم رستگاری است، اما شرط کافی نیست.

سه. ایمان به خدا و ایمان به آخرت شرط لازم رستگاری هستند، اما شرط کافی نیستند.

چهار. ایمان به همه‌ی رسولان الهی برای رستگاری طریقت دارد، هرچند موضوعیت ندارد. اما مخالفت و عدم

اطاعت از هر یک از رسولان مانع نجات است.

پنج. ایمان به محمد بن عبدالله (ص) و تبعیت و اطاعت از ایشان طریق اقوم سعادت است. این بحث در مقایسه

با محورهای قبل در آیات به مراتب کمتری مطرح شده است.

شش. سعادت و فلاح و نجات و فوز امری تشکیکی است. کامل و اکمل دارد.

نتیجه: سعادت اخروی و همزیستی دنیوی مشروط به دین و مذهب خاصی نیست.

* سخنرانی در مرکز اسلامی فرهنگی کالیفرنیا شمالی، اکلند Islamic Cultural Center of

Northern California (ICCNC), Oakland

شنبه ۹ صفر ۱۴۳۷، ۳۰ آبان ۱۳۹۴، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۵

